



لزوم تجلیل از نخبگان علمی

یک چیز دیگری که من اینجا لازم است مطرح بکنم – اگر چه مخاطبش در واقع کس دیگری است – مسئله بزرگداشت نخبگان و تکریم نخبگان است. در این زمینه، در واقع رسانه‌های ما و به خصوص رسانه ملی و صداوسیما، مخاطبند. خوب، شما مشاهده کنید در تبلیغاتی که انجام می‌گیرد؛ هنر پیشه‌ها و هنر پیشه‌های خارجی و اسم‌های گوناگون تبلیغ و ترویج می‌شوند. مثلاً مسابقه می‌گذارند توی تلویزیون و سؤال می‌کنند: اسم قهرمان اول فلان فیلم چی بود؟ اگر گفتی و بلد بودی برنده می‌شوی! حالا ندانند این را مگر چه کسری و چه نقضی وارد می‌شود؟ فرض کنید رانینو شناسند! این‌ها باید یک‌قیصه؟ که شناختش آویسود که امتیاز؟! یا مثلاً ورزش. خوب البته می‌دانید و بارها گفته‌ام، من از طرفداران ورزش قهرمانی‌ام؛ یعنی من بر خلاف یک حرفی که گفته می‌شد آقا! ورزش قهرمانی چیست؛ بنده گفتم که نه ورزش قهرمانی لازم است. ورزش قهرمانی در واقع نخه پروری در باب ورزش است؛ این می‌شود یک قله؛ تاقله نباشد، دامنه نیست. وقتی یک قله درست شد، آن وقت دامنه – یعنی ورزش عمومی – شکل خواهد گرفت. بنابراین بنده به ورزش قهرمانی معتمد؛ به این قهرمان‌هایی هم که می‌روند و پرچم کشور من و سرود ملی کشور من را اینجا و آنجا به چشم و گوش مردم دنیا می‌رسانند، علاقه‌مندم؛ از آنها هم تشکر می‌کنم؛ خیلی هم دوستشان می‌دارم؛ گاهی هم پیش من می‌آیند. اما حرف من این است که چرا ما باید یک نخبه علمی را کمتر از یک نخبه ورزشی بها بدهیم؟ ما چقدر نخبه‌های علمی داریم که در قلله‌ها چقدر نخبه علمی داریم که اگر چنانچه دست کشورهای دیگر به اینها برسد، آنها را فراموشی می‌برند! اینها را باید تجلیل کنیم.

۵ شهریور ماه ۱۳۸۷

تریبون دانشجویی

اعراض دانشجویی به تصمیم دولتمردان

صادق صدرالدینی*

این روزها که به انتخابات نزدیک می‌شویم همه نامزدها و مخصوصاً رئیس‌جمهور محترم و معاون اول ایشان که جزو کاندیداهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هستند دغدغه ایجاد اشتغال برای تحصیلکرده‌های بیکار را مطرح می‌کنند و به دنبال مقرر می‌گردند اما غافل از اینکه تصمیمات صحیح، غیر کارشناسی و برخلاف منافع ملی دولتمردان است که باعث ایجاد این حجم از بیکاران می‌شود. یکی از مصادیق این موضوع شرکت لوله گستر اسفراهنی است که تصمیم ناصح مسئولان دولتی باعث شد دانشجویان دانشگاه اسفراهن به‌خاطر این مسئله دست به تجمع دانشجویی و اعتراض بزنند.

مسئله از آنجا آغاز شد که در سالی که واردات کالاهای با نمونه داخلی، از جانب رهبر معظم انقلاب، حرام شرعی دانسته شده است و شعار اشتغال و تولید بر سر برگ تمام ادارات نقش بسته است، واردات ۶۰ هزار تنی لوله بدون درز چینی توسط وزارت نفت، شرکت لوله گستر اسفراهنی که در همین زمینه فعالیت می‌کند را زمینگیر کرده است. شرکت لوله گستر اسفراهن با ظرفیت تولید ۸۰ تا ۸۰۰ هزار تنی لوله بدون درز با کیفیت API-5CT در سال، اکنون با کمتر از ۲۰ درصد ظرفیت تولید خود در حال فعالیت است. قرار داد واردات محصول چینی که به متأسفانه با شرکتی واسطه به امضا رسیده است ۲۰ هزار فرصت شغلی را از بین برده است و تولید و اشتغال مرتبط با این واحد را به چالش جدی کشانده است. این مسئله برای دانشجویان دانشگاه فنی مهندسی دانشگاه اسفراهن از آنجا که بر خلاف منافع ملی و منافع شهرستان و از طرفی منافع دانشجویانی که قرار است پس از دانش‌موختگی در صنایع داخلی مشغول به کار شوند و از سود حاصل از تولیدات داخلی امرام معاش کنند، غیر قابل اغماض بود و مورد اعتراض قرار گرفت. سؤال اصلی اینجاست که با وجود اینکه قانون حداکثر حمایت از تولید داخلی در کشور مصوب شده است، چرا دولت بدون اینکه فرآوانی به تولیدکنندگان داخلی داده باشد، اقدام به واردات کالایی می‌کند که مشابه آن در داخل آن هم با کیفیت بهتر وجود دارد؟ آیا مافیایی وجود دارد یا اینکه دولت از این اقدام سودی می‌برد که مردم از آن بی‌خبرند؟

مسئله اصلی دیگری که این روزهای انتخابات همه از آن دم می‌زنند بیکاری جوانان تحصیلکرده است که اتفاقاً با این قبیل اقدامات دولت، آمار بیکاری آنها افزایش پیدا خواهد کرد، حال آنکه دولتمردان به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این قول را می‌دهند که تمام تلاش خود را برای ایجاد شغل انجام می‌دهند و معلوم نیست باید وعده آنها را بابر کرد یا آنچه در عمل مشاهده می‌شود و به اقتصاد کشور ضربه می‌زند؟ به هر حال آنچه واضح است موضوع توجه به تولیدات داخلی و مسئله امرام معاش هزاران نفر از این تولیدات است که متأسفانه با توجه به نوع عملکرد دولتمردان هزاران خانواده شغل و درآمد خود را از دست خواهند داد و همین موضوع کافی است تا دانشجویان احساس مسئولیتی کنند و دست به اعتراض بزنند تا بلکه مسئولان به مسیر صحیح مدیریت کشور بازگردند.

*** فعال دانشجویی دانشگاه اسفراهن**

دانشگاه

قانون سنوات تحصیلی ذبحِ عدالت آموزشی است

ترم هشتم، آخرین ایستگاه حمایت!



در یک نگاه کلی به دانشگاه‌ها در سال ۹۵.

این سال را می‌توان سال اعتراضات صنعتی دانشجویان نامگذاری کرد. و رای اعتراضات دانشجویان دانشگاه صنعت نفت نسبت به تخلف وزارتخانه متبوع شان از تعهد استعدادهای و اعتراضات ریز و درشت دیگر نسبت به کیفیت غذا و مسائلی از این دست، گسترده ترین اعتراضات دانشجویی سال ۹۵. حول قانون سنوات و تبعات آن بر زندگی تحصیلی و شخصی دانشجویان دور می‌زد. براساس قانون سنوات دانشجویان در صورتی که در مقطع کارشناسی نتوانند در ۸ ترم ۴ ترم تحصیلی و در دکتری از ۸ ترم تحصیلی فارغ‌التحصیل شوند! دامه تحصیل آنها منوط به پرداخت هزینه خواهد بود. براساس این قانون دانشجویانی که سنوات قانونی آنها به اتمام رسیده باشد نمی‌توانند در جهت پرداختن رفاه وزارت علوم نیز استفاده کنند و استفاده از خدمات رفاهی مانند خوابگاه و تغذیه برای آنها هزینه‌های زیادی را به همراه خواهد داشت.

تصویب این آیین‌نامه رای توان از جهت سختگامی مورد واکاوی قرار داد. تعمیق مشکلات مالی دانشجویان، مسامحه استاد و دانشجو بر سر کیفیت رساله و پایان‌نامه‌های مقطع تحصیلات تکمیلی و نهایتاً تأکید مکرر بر کمی شدن چارچوب‌های آموزش عالی به جای کیفی‌سازی آن را می‌توان از تبعات چنین قانونی دانست. با

این حال، اصل مسئله را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد: ذبح شدن عدالت آموزشی! مطابق اصل سی‌ام قانون اساسی؛ «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایت کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.»
با این حال، طی سال‌های گذشته، جذب دانشجویی در دانشگاه‌های معتبر کشور، تبدیل به یک روال عادی شده است. نتیجه روشن شدن اختیارات دانشجویی در این سال‌ها، متأسفانه محروم شدن قشر ضعیف جامعه از تحصیلات عالی و انحصاری شدن آن برای اقارادگان و اقشار مرفه اجتماع خواهد بود.

در این فضا، ولی نعمتان انقلاب که همان گودنشینان و پابرهنگان هستند و به تعبیر امام(ره) باید مناصب حکومتی را در دست بگیرند، در طولانی مدت در یک رقابت ناعادلانه به دلیل عدم توجه بر خورداری از تحصیلات عالیه از چرخه قدرت حذف شده، مرفهین بر پست‌های کلیدی و مهم کشور تکیه خواهند زد. امری که طبیعتاً با اهداف عالی‌و مصالح کلان نظام جمهوری اسلامی در تضاد روشنی قرار دارد. مسئله قانون سنوات نیز بدون شک باید از همین دریچه نگریست. دانشجوی مستعدی که از خانواده‌ای فقیر در شهرستانی دور دست به یکی از دانشگاه‌های معتبر تهران یا گنجانسته و به دلیل مشکلات متعدد مالی نتوانسته در سنوات قانونی، تحصیلاتش را به اتمام برساند، چگونه خواهد توانست هزینه‌های

بررسی دلایل فاصله میان دانشگاهیان و آیین نماز جمعه

جای دانشجو در این مراسم عبادی سیاسی خالی است

علوم از تباطات در این خصوص می‌گوید: با اینکه

می‌دانم بر اساس آموزه‌های دینی هر مسلمان که نهای نماز جمعه را می‌شود باید در نماز جمعه شرکت کند اما برای رفتن آرام دارم زیرا بعضاً می‌بینم امام جمعه که باید به عنوان پسر مدینه از چنین ظرفیت عظیمی بی‌ااسته‌یی‌ری‌بزی برنامه‌ای منظم و هدفمند و از آن مهم‌تر به اجرا در آوردن آن است. متأسفانه به‌رغم تلاش گاه و بیگاه مسئولان سا در زمینه اغنای فرهنگ مذهبی، اخلاقی و علمی جوانان و به خصوص قشر دانشجو، طی دهه گذشته، سطح تبلیغات و هممه دشمن نسبت به این طیف به‌ویژه در زمینه فرهنگ و مذهبی بسیار چشمگیر بوده و این امر ضرورت کار و توجه بیشتر را تعریف می‌کند، بدیهی است طی سال‌های گذشته با رشد روزافزون فناوری‌های علمی و اطلاعاتی و گسترش ابزارهای ارتباطی دیگر نمی‌توان همچون گذشته از ورود فرهنگ بیگانه به کشور جلوگیری کرد از این رو باید برای مدیریت فضای جوان جامعه در شرایط روز به فکر چاره بود؛ به نظر می‌رسد بر اساس روش‌های مختلفی که مورد آزمون و خطا قرار گرفته‌اند بهترین راه، ایجاد ارتباط صحیح و تعریف شده بین جوانان و فضاهای دینی و معنوی است.

دانشجویان به عنوان قشر فرهیخته جامعه می‌توانند در ایجاد ارتباط بین جوانان و فرهنگ و رسوم دینی نقش بسزایی داشته باشند که از مصادیق آن می‌توان به شرکت در مراسم هفتگی نماز جمعه اشاره کرد. اما متأسفانه طی سال‌های گذشته این حضور بیش از پیش رو به سردی گراییده و این موضوع باعث شده غالب شرکت‌کنندگان در این مانور عظیم دینی افراد با به سن گذشته و در نهایت نوجوانانی باشند که بر حسب تکلیف مدارس خود در این مراسم شرکت می‌کنند. با طرح این موضوع به نظر می‌رسد بهترین راه جهت بررسی جزئی مسئله، مراجعه به خود دانشجویان و جویا شدن نظر آنها در این زمینه است.



فرداد سواد کوهی، دانشجوی کارشناسی ارشد

دانشجویان خواهند پرداخت. هم‌زمان، سیستم دلشگاهی در حالی از کمبود بودجه گلایه می‌کند که مسئولان وزارت علوم طی سال‌های گذشته، بخش اعظم طرح‌های کلان شورای عالی عطف را به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد غیربودجه‌ای دانشگاه‌ها، متوقف کرده‌اند. امری که با گلایه و هشدار عتاب‌آمیز رهبر انقلاب نیز روبه‌رو شده است. فریادهای ممتد دانشجویان در اعتراض نسبت به این قانون تبعیض‌آفرین اما تا کنون تأثیری در اصل ماجرا نداشته است. شهریور سال گذشته، شورای صنفی دانشگاه صنعتی شریف پس از راه‌اندازی کمیتهی اعتراضی، طی نامه‌ای در رئیس دانشگاه می‌نویسد: «با تجمع بعدی متعلق به برترین رتبه‌های کنکور در دانشگاه صنعتی شریف است؟ آیا مسئولان کماکان معتقدند هزینه‌های اضافی و تحمیلی سنوات آموزشی و رفاهی نباید حذف شود؟»

وضعیت در دانشگاه‌های دیگر نیز به همین صورت پیش رفته ولی قانون سنوات هنوز هم از جایش تکان نخورده است. مهر ماه سال گذشته، جبار کوچکی‌نژاد، نایب رئیس کمیسیون آموزش مجلس طی مصاحبه‌ای در همین زمینه گفته است: «یک بار در این خصوص به وزرای بهداشت و علوم گفته شد شما خلاف می‌کنید چرا از این دانشجویان حرف‌گفتن شهریه ندارید، به همین خاطر قرار شد بررسی کنند تا مسئله حل شود اما باز می‌بینیم این روال تکرار می‌شود. هزینه دانشجویان سنواتی در کل کشور چند میلیارد بیشتر نمی‌شود و مجلس حاضر است به آموزش مجلس طی مصاحبه‌ای در همین زمینه گفته است: «یک بار در این خصوص به وزرای بهداشت و علوم گفته شد شما خلاف می‌کنید چرا از این دانشجویان حرف‌گفتن شهریه ندارید، به همین خاطر قرار شد بررسی کنند تا مسئله حل شود اما باز می‌بینیم این روال تکرار می‌شود. هزینه دانشجویان سنواتی در کل کشور چند میلیارد بیشتر نمی‌شود و مجلس حاضر است به دانشجویانی که قانون و هیئت‌انرا راه را برایشان باز کرده تا برای جبران واحدهای پاس نکرده یک ترم دیگر در دانشگاه بمانند کمک‌کند.»

وی در بخش دیگری از همین گفت‌وگو تأکید می‌کند: «اگر بحث اختیاری که به هیئت‌انرا داده شده واقعاً رعایت نشود، مجلس ناچار است در سیستم هیئت‌انامی دانشگاه‌های کشور تجدیدنظر کند!»
با وجود گذشت چندماه از آن مصاحبه اما خبری از اقدام مجلس در این زمینه نیست. در این میان، تنها چیزی که باز هم در حال ذبح شدن است، مسئله عدالت آموزشی و حمایت دولت از اقشار کمتر برخوردار و فرزندان آنان در برابر معضل کالایی شدن آموزش عالی در سطح کشور است. مسئله شاید اکنون چندان به چشم نیاید، با این حال تبعات وضع چنین آیین‌نامه‌های تبعیض‌آمیزی بدون شک در آینده نه چندان دور، با تأمید شدن قشر محروم جامعه از احقاق حقوق خود و از دست رفتن مهم‌ترین ذخیره‌های واقعی نظام خود را نشان خواهد داد. نشان دادنی که می‌تواند در بسترهای اجتماعی، سیاسی، امنیتی و… جلوه‌گر شود. با این اوصاف، آیا زمان تغییر این قانون مضر فرا رسیده است؟

حرف استاد

به پژو هوش خوب امتیاز بدهید

نه تعداد مقالات!



دکتر هومن سالاری

عضویت علمی دانشگاه رای کرمانشاه

به مقالات و رفتارهای پژوهشی

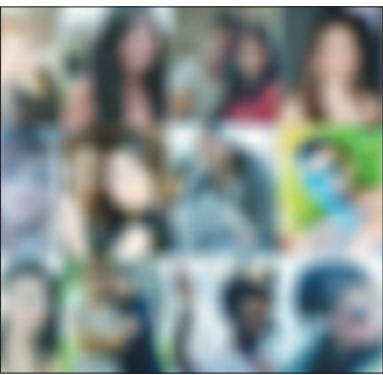
اعضای هیئت علمی، به بازنگری جدی نیازمند است. قطعاً با توجه به افزایش تولید علم توقع در خصوص افزایش سطح رفاه زندگی مردم و بهبود فضای کسب و کار امری منطقی است، اما متأسفانه در حال حاضر اگر چه رتبه علمی ایران بر اساس شاخص‌های مختلف بین ۱۷ تا ۲۵ در دنیا متغیر است، ولی در زمینه وضعیت کسب و کار رتبه بالای ۱۵۰ را در دنیا دارم.

این اعداد و ارقام نشان می‌دهد که عموماً علم تولیدی ایران، کارا و اوصیل نبوده و نتوانسته زندگی راحت‌تری برای مردم ایجاد کند، در حالیکه در بسیاری از کشورها رابطه مستقیمی میان تولید علم و سایر شاخص‌های رفاهی جامعه وجود دارد. نیاز بالای محققان و دانشجویان کشور به چاپ مقاله در جهت ارتقای رتبه علمی، استخدام یا تحصیل در مقاطع بالاتر عاملی است تا برخی از آنها به پرداخت هزینه‌های کلان ارزی برای چاپ مقالات خود در مجلات بین‌المللی اقدام کنند.

راهکار حل این مسئله امتیاز دهی به پژوهش‌های خوب فارغ از انتشار مقاله است و باید سیستم آموزش عالی به سمتی برود که به یک پژوهش خوب حتی اگر نتایج به مقاله هم نشود امتیاز بدهد. این امر موجب می‌شود تا محققین ما ریسک دست زدن به پژوهش‌هایی که شاید به نتیجه هم نرسد را پیدا کنند.

از سوی دیگر باید امتیاز دهی به مقالات بی‌کیفیت متوقف شده و امتیاز دهی به مقالات بر اساس کیفیت آنها صورت گیرد.

روایت دانشجویی



حریم غیر خصوصی

مریم کمالی‌نژاد

طرف‌های صبحانه را خورده و نخورده از روی میز جمع کردم و بریدم توی ماشین. «دیر شده، بدو دیگه» از یک ساعت پیش علی دارد همین جمله را تکرار می‌کند. راست هم او می‌گوید، بدون احتساب ترافیک، باز هم دیر می‌رسیم. هم او به کارش هم من به کلاس. توی راه علی مدام اصرار کرد که ذوق مصیبت در رسیدن به کلاس سخت‌ترین استاد، گوشی موبایلم را روشن کردم تا ببینم خبری از عوض شدن ساعت کلاس در گروه تلگرامی‌مان هست یا نه؟! گروه را بالا می‌روم و پیام‌ها را یکی یکی می‌خوانم. طبق معمول تعداد زیادی از پیام‌ها کل کار است. سپیده یک عکس گذاشته. نگاهم قفل می‌شود روی عکس. تنم جیغ می‌آید می‌گویم: «همین‌تا نگه دار، بقیه رو با تاکسی میرم» با تعجب نگاهم می‌کند که یعنی چطور یک‌دفعه راضی شدم و چه اتفاقی افتاده است؟ نای جواب و توضیح دادن ندارم. با کنار می‌گیرد پیاده می‌شوم گوشی موبایل از گوشه کیفم می‌پرد بیرون و روی اسفالت خیابان فرود می‌آید. علی بوق کوتاهی می‌زند به نشانه خداحافظی و گازش را می‌گیرد. حس می‌کنم زانوهایم خالی‌اند. بناردم که راه بروم، می‌شنیم روری صدلی درب و داغون گوشه پیاده‌رو زل می‌زنم به مانیتور ترک خورده موبایل. دوباره گروه را باز می‌کنم و عکس را نگاه می‌کنم. عکس از جشن تولد سپیده است. رفته بودیم خانه‌شان. علی قبلیش پرسیده بود که چقدر می‌شناسمش و من گفته بودم، آدم خوبی است. تولد دخترانه سپیده خیلی خوش گذشت. علی سپرده بود راضی به عکس گرفتن نشوم، اما در مقابل اصرار و تعجب بچه‌ها کوتاه آمدم و یک عکس انداختم. همین که الان توی گروه است و احتمالاً در گوشه‌ی دختر و پسر هم‌کلاسی ذخیره شده است. از تصویر سرم گیج می‌رود. توی عکس انگار کسی موبایلم را از پشت کشیده، موبایلم نیست. روسری‌ام است که لیللاز پشت کشید و گفت: این کارها چیه؟ همه دختریم یه‌ک!

چندبار دیگر گروه را بالا و پایین می‌روم که ببینم اشتباه نکرده‌ام شاید من دچار توهم شده‌ام. پیام‌ها را می‌خوانم که ببینم کسی عکس‌العملی نشان داده یا نه! که متأسفانه چند نفری اظهار نظر کرده‌اند.

تا رسیدن به دانشگاه حداقل نیم ساعت توی راهم، شماره سپیده را می‌گیرم و با عصبانیت و داد و بی‌داد می‌گویم: تو مگر شعور نداری که بدون اجازه عکس سرتا روی گروه گذاشته‌ای؟ مگر به من قول ندادی که… هنوز جمله‌ام تمام نشده که صدای خنده بی‌خیالاتش می‌پیچد توی گوشم و می‌گوید: «خیلی حساسی‌ها! کجایی الان؟ حالا تو بیا، بعد با هم صحبت می‌کنیم…»

هر چه بیشتر و بهتر در این مراسمات فراهم‌کند.